

The study and Comparison of Takfiri Cults among Muslims and Christians: An ISIS and Ku Klux Klan Case Study

Rana Ghasemi¹, Hadi Vasei^{2*}, Sayed Saeed Reza Montazeri³

1. PhD Student of Religions and Islamic Mysticism, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran. ghasemi.r1988@gmail.com
2. Assistant Professor, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran. (Corresponding Author): Hadivasei4@gmail.com
3. Assistant Professor, Faculty of Humanities, Farabi Campus, Tehran University, Iran. Ssmontazery@ut.ac.ir

Received: 13 June 2018; **Revised:** 1 August 2018; **Accepted:** 27 August 2018

Abstract

Today, Takfir and terrorism are among Muslims and Christians as a deviant and violent thought, especially in the religious-political arena, and it is important to reveal the nature of these Takfiri-terrorist cults. In this regard, this study investigates the emergence backgrounds of Takfir and terrorism among Muslims and Christians, in particular the common aspects of the ISIS cult and Ku Klux Klan applying library research and descriptive correlational research methods. To this end, the historical dimensions of Takfir and terrorism have been investigated from the past to today among Muslims and Christians, and then the common beliefs and goals of the Takfiri cults have been analyzed. The results show that the attitudes of Takfiri cults in Islam and Christianity are not rooted in religion and faith. What is common among these two cults includes deviations from the religious principles, and the political orientation, violence incentives, and domineering. Also, the powers' behind the curtain political motives has a great demonstration on escalating the crisis in Islamic countries. ISIS and Ku Klux Klan are not approved by Islam and Christianity, and promotion of political awareness and understanding of the essence of religion are among the most important methods for dealing with Takfir.

Keywords: Christianity, ISIS, Islam, Ku Klux Klan, Takfiri cults, Terrorism.

بررسی و مقایسه فرقه‌های تکفیری میان مسلمانان و مسیحیان؛ مطالعه موردی داعش و کوکلاکس کلان^۱

رعنا قاسمی^۱، هادی واسعی^{۲*}، سید سعیدرضا منتظری^۳

۱. دانشجوی دکتری ادیان و عرفان اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران. ghasemi.r1988@gmail.com

۲. استادیار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول): Hadivasei4@gmail.com

۳. استادیار، دانشکده علوم انسانی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، ایران. Ssmontazery@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۳؛ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۷/۰۵/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۰۵

چکیده

امروزه تکفیر و تروریسم در میان مسلمانان و مسیحیان به عنوان یک اندیشه انحرافی و خشونت‌آمیز، به ویژه در عرصه دینی - سیاسی وارد شده است و آشکارسازی ماهیت این فرقه‌های تکفیری - تروریستی اهمیت زیادی دارد. در این راستا، پژوهش حاضر با روش مطالعه کتابخانه‌ای، به صورت توصیفی - تحلیلی به بررسی زمینه‌های پیدایش تکفیر و تروریسم در میان مسلمانان و مسیحیان، به ویژه وجوه مشترک فرقه داعش و کوکلاکس کلان پرداخته است. برای این منظور، ابتدا ابعاد تاریخی تکفیر و تروریسم از گذشته تا امروز در میان مسلمانان و مسیحیان بررسی شده، و اعتقادات و اهداف مشترک فرقه‌های تکفیری تحلیل و بررسی شد. نتایج حاکی از آن است که نگرش فرقه‌های تکفیری در اسلام و مسیحیت ریشه دینی و مذهبی ندارد. وجوه مشترک این دو فرقه انحراف از اصل دین بوده، و رویکرد سیاسی، انگیزه خشونت و قدرت‌طلبی از وجوه مشترک آن‌ها است. همچنین، انگیزه‌های سیاسی پشت پرده قدرت‌ها در تشدید بحران در کشورهای اسلامی بسیار نمود دارد. داعش و کوکلاکس کلان مورد تایید دین اسلام و مسیحیت نبوده، و ارتقای آگاهی‌های سیاسی و شناخت ماهیت اصل دین از مهم‌ترین روش‌های مقابله با تکفیر است.

واژگان کلیدی: اسلام، تروریسم، داعش، فرقه‌های تکفیری، کوکلاکس کلان، مسیحیت.

این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «بررسی علل پیدایش جریان‌های انحرافی در اسلام با تمرکز بر گروه‌های تکفیری معاصر» است.

مقدمه

امروزه دین نقش مهمی در زندگی فردی و اجتماعی بشر دارد، دین علاوه بر سطح اجتماعی در سطح سیاسی نقش مهم و تعیین‌کننده دارد. در اندیشه متفکران مسلمان و در الهیات مسیحی تکفیر و خشونت مذموم بوده و گرایش به اخلاق پسندیده بوده، و همزیستی مسالمت‌آمیز عاری از خشونت توصیه شده است. در کتب آسمانی «قرآن کریم» و «کتاب مقدس» تعالیم زندگی اجتماعی و سیاسی برای پیروان آن آورده شده است. همچنین، خشونت و تروریسم هم، در دو دین مورد تأیید نبوده و رفتارهای افراط‌گرایانه گروه‌های سیاسی و تروریستی هم از طرف متفکران مسلمان و مسیحی مردود دانسته شده، و در میان مردم نیز تأیید نشده است. با توجه به اهمیت موضوع در این زمینه پژوهش‌های متعددی انجام گرفته است؛ بنابراین، با توجه به اینکه امروزه گروه‌های تکفیری در سراسر جهان چه در دین اسلام و چه در مسیحیت فعالیت می‌کنند و بسیاری از این گروه‌ها خود را به ادیان بزرگ منتسب می‌کنند، بررسی این موضوع اهمیت مطالعاتی دارد و درخور توجه جدید با نگرش و ابعاد مختلف به موضوع است. پژوهش حاضر با رویکرد مطالعاتی نو به زمینه‌های تاریخی و سیر رشد تکفیر در اسلام و مسیحیت پرداخته است. هدف از پژوهش حاضر مطالعه ماهیت گروه‌های تکفیری و تروریستی بوده تا ماهیت گروه‌های تروریستی مشخص شده و حساب آن‌ها از دین جدا شود و به ماهیت ادیان بزرگ الهی اشاره شود که ضد خشونت و تکفیر هستند.

اسلام و مسیحیت با افراط‌گرایی مخالف‌اند و ریشه مشترک توحیدی دارند و به ابراهیم برمی‌گردد. شناخت ادیان بر شناخت اصول، فروع، شعائر و تاریخچه ادیان مبتنی است. آنچه ادیان الهی را به هم پیوند می‌دهد، بیش از آن چیزی است که آن‌ها را از هم جدا می‌کند، برای نمونه ریشه مشترک وحدانیت، ریشه ابراهیمی، مبتنی بر وحی بودن و بسیاری از آموزه‌های مشترک که در بسیاری ادیان نیز وجود دارد. از میان ادیان ابراهیمی، شناخت مسیحیت کاتولیک به دلیل اشتراکات با اسلام، پیروان فراوان و فعالیت‌های گسترده تبلیغی مورد توجه است. تروریسم یعنی اقداماتی خشونت‌آمیز و با رعب و وحشت که از ابتدا در همه ادیان و عرصه‌های سیاسی وجود

داشته است. به نظر می‌رسد، ترور علاوه بر خشونت و کشتار در اسلام و مسیحیت نیز پذیرفته شده نیست؛ زیرا فطرت انسان در درون دو دین اسلام و مسیحیت بیشتر رویکرد انقلابی برای نیل به آزادی داشته، و مخالف با هرگونه افراط‌گرایی است و همچنان در آموزه‌ها و باورهای اصیل دو دین وجود دارد.

مفهوم‌شناسی

هرچند واژه «تکفیر» در معنای معمول خود به کفر و کافرشدن مصطلح شده است، این واژه به لحاظ مفهومی نیز روشن است، ولی واژه «تروریسم» یکی از واژه‌ها و مفاهیم مبهم در عرصه بین‌المللی است که به علت پیچیدگی مفهوم و مصادیق آن با نوعی بحران معنا در تعریف و تحدید قلمرو آن مواجهیم؛ در اینجا به مفهوم تکفیر و تروریسم در اسلام و مسیحیت به صورت مختصر اشاره خواهد شد.

الف) تکفیر و تروریسم در اسلام: واژه تکفیر، مصدر تفعیل و «کفر» است. تکفیر را در پوشاندن گناه و انحای انسان در برابر دیگری آورده اند. در لسان عرب اصل کفر پوشاندن است. کافر را کافر می‌گویند؛ زیرا کفر، همه قلب او را پوشانده است (فخلعی، ۱۳۹۲، ص ۹۵). قرآن کریم از اتهام به تکفیر که بدترین نوع برخورد مسلمانان است، نهی کرده است و می‌گوید به کسی که نزد شما اظهار به اسلام می‌کند، می‌گویید تو مؤمن نیستی (نساء: ۹۴). ریشه تاریخی تکفیر در اسلام به دو جریان اهل رده و خوارج در اسلام بر می‌گردد (ابن اثیر، ۱۴۰۹). معارضان اسلام کافر و خارج از دین می‌خوانند (طبری، ۱۳۸۷، ص ۲۳۸). در لغت‌نامه دهخدا، در تعریف تروریسم نیز بیان شده است: «اصل حکومت وحشت و فشار؛ اصول حکومتی که در فرانسه از ۱۷۹۳ تا ۱۷۹۴ م مستقر بود. در زبان فارسی، این کلمه به اصلی اطلاق می‌شود که در آن از قتل‌های سیاسی و ترور دفاع گردد» (دهخدا، ۱۳۴۳، ص ۶۳۷).

ب) تکفیر و تروریسم در مسیحیت: کفر در اندیشه مسیحی این است که فرد به وسیله آن از ایمان کاتولیکی، که در آن تعمید یافته و به آن اعتراف کرده است، دست بر می‌دارد (Lawlor,

1981, V.1, p. 679). تکفیر، جدایی رسمی از وحدت کلیساست؛ یعنی جدایی از کلیسای کاتولیک، خواه شخص یا اشخاصی از کلیسا، برتری اسقف اعظم رم را نپذیرند، و خواه مرجعیت پاپ را رد کنند. با قید اول، ارتدوکس‌ها به عنوان فرقه‌ای از کلیسای کاتولیک متمایز می‌شوند؛ زیرا این کلیسا برتری اسقف اعظم رم را نسبت به سایر اسقف‌ها و پاتریاک‌ها نمی‌پذیرد. با قید دوم، کلیسای پروتستان خارج شده؛ زیرا مرجعیت اسقف و پاپ رم را رد می‌کند و فقط حجیت کتاب مقدس را مطرح می‌کند (Broderick, 1994, p.303). تکفیر و فرقه‌گرایی در کاتولیک را می‌توان نوع خاصی بدعت دانست که رنگ و بوی سیاسی به خود گرفته، گاه کلیسایی در مقابل، یا در عرض کلیسای کاتولیک شکل می‌گیرد (امیری و طاهری، ۱۳۹۲، ص ۸۰). بدعت نیز در این نوشتار معادل تکفیر قلمداد شده، بدعت در لغت باور و اعتقادی است که مخالف آموزه‌های اساسی دین است، یا باوری است که موافق با باور اکثر مردم نیست (Oxford Dictionary, 2010). در واقع، آموزه غلط یا تفسیر غلط از آموزه صحیحی است که توسط کلیسای کاتولیک بیان شده است. بدعت رسمی، گناهی تالم‌آور و سرکشی در برابر خداوند است (Broderick, 1994, p.163؛ امیری، طاهری، ۱۳۹۲، ص ۸۰). واژه تروریسم از زبان فرانسه قدیم و لاتین گرفته شده و به معنای ترساندن و به وحشت انداختن است. ترور را معمولاً در فارسی، به معنای «قتل سیاسی» به کار می‌برند. واژه‌های فتک، ارباب، ارهاب و اغتیال در عربی نیز به‌نوعی معنای آن‌را دربردارند (دری نورگورانی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۸). این واژه برای نخستین‌بار در فرهنگ‌های لغات انگلیسی زبان در سال ۱۷۹۸ درج شد (درویشی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۹)؛ اما باید یادآور شد، واژه تروریسم در دوران جدید در تحولات اواخر قرن هجدهم میلادی ریشه دارد (صفوی، ۱۳۸۳، ص ۱۵).

در مجموع، در مفهوم‌شناسی سیاسی «تروریسم» گفتنی است فعالیت‌های بازیگران دولتی یا غیردولتی که تلاش می‌کنند با استفاده از فنون خشونت‌آمیز، به اهداف سیاسی خود دست یابند (Plano & Roy, 1988, p.201). نیز بهره‌برداری سیاسی از خشونت به عنوان ابزاری برای تحت فشار قراردادن یک حکومت یا جامعه به منظور پذیرش یک تغییر سیاسی یا اجتماعی اساسی (Robertson, 1993, p.458). براساس یک تعریف، «تروریسم» پدیده‌ای است که در آن فعالیت‌های

شدید خشونت‌آمیز مانند قتل عمدی، بمباران، و پرتاب کردن از ساختمان توسط فرد یا گروهی اجرا می‌شود که ادعا می‌کنند چنین اعمالی را به منظور بهبود وضعیت سیاسی انجام می‌دهند. براساس تعریف دیگر، «تروریسم» عبارت است از دنبال کردن هدف سیاسی از طریق ابزارهای خشونت‌آمیز و تهدید (Satyendra, 1994, p.674). تروریسم کاربرد ابزار زورگویانه برای هدف قراردادن مردم غیرنظامی در تلاش برای دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا مانند آن است. گروه‌هایی که برای رسیدن به اهداف سیاسی از ابزارها و شیوه‌های خشونت‌آمیز استفاده می‌کنند، عمل را «ترور»، و گروه را «تروریسم» می‌نامند (آشوری، ۱۳۷۳، ص ۹۹). به‌کارگیری محاسبه‌شده و منظم خشونت غیرقانونی یا تهدید به استفاده از خشونت غیرقانونی برای القای ترس و ارعاب برای اجبار دولت‌ها و جوامع برای نیل به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیکی، امری معمول در تاریخ بوده است (فتیحی، ۱۳۹۴، ص ۴۸؛ Broum, 2004, p.3).

تاریخچه انحراف و تکفیر میان مسلمانان و مسیحیان

افراط‌گرایی از مباحث قابل پژوهش و بررسی در مطالعات دینی و سیاسی است، به‌ویژه در این پژوهش اهمیت مطالعاتی و بررسی یافته است. ظهور جریان‌هایی که نماد گرایش‌های افراطی در عرصه فرق و اندیشه بوده‌اند. از لحاظ تاریخی پیشینه این جریان‌های تکفیری - جهادی در جهان اسلام به دوران خلیفه اول باز می‌گردد، زمانی که در جریان جنگ‌های رده دستگاه خلافت معارضان خود را کافر و خارج از دین قلمداد کرد (یعقوبی، ج ۲، ۱۴۱۴، ص ۶۰)، اما ظهور بارز این اندیشه که قالب شناخته‌شده‌تری دارد مربوط به جریان خوارج در دهه چهل هـ ق است که از آن‌ها، تکفیری‌های صدر اسلام نام برده می‌شود (واقدی، ۱۴۱۰، ص ۲۹)، جریانی که از یک تردید و فهم غیرصحیح درباره اقدامات امام علی (ع) پدیدار شد و برای اولین بار اهل قبله را تکفیر کرد و با مطرح کردن شعارهای اسلامی، قرائتی از دین ارائه کرد که مورد قبول هیچ یک از فرق اسلامی نبود (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۳۶۳). جریان خوارج که به صورت بارز پس از ماجرای تحکیم در جنگ صفین شکل گرفت.

الف) داعش و وضعیت کنونی آن: داعش، حروف اول سازمان «دولت اسلامی عراق و شام»

است. اگرچه پس از اعلام خلافت توسط ابوبکر البغدادی، نام این سازمان به «خلافت اسلامی» تغییر کرده است، اما هنوز در ادبیات سیاسی و رسان‌های فارسی و عربی با همان عنوان «داعش» و در انگلیسی «آی سیس»^۱ که مخفف دولت اسلامی عراق و شام^۲ به زبان انگلیسی است، رایج است. داعش یکی از سازمان‌های تروریستی فرقه تکفیری محسوب می‌شود که برآیند نیابتی مجموع‌های از عوامل سیاسی و داخلی جهان اسلام است (Zelin, 2014, p.3).

تاریخچه شکل‌گیری داعش به دوره پس از حمله آمریکا به عراق و ورود اعضای القاعده به این کشور بازمی‌گردد. ابومصعب الزرقاوی، رهبری شاخه القاعده در عراق را به عهده گرفت. در سال ۲۰۰۴، گروه تکفیری «القاعده در سرزمین بین‌النهرین» ایجاد شد که دوام نیاورد (عباس‌زاده، ۱۳۸۹، صص ۱۵۴ - ۱۵۱ و ۱۶۲). با کشته‌شدن الزرقاوی در سال ۲۰۰۶، سازمان تروریستی «دولت اسلامی عراق» جانشین التوحید و الجهاد و القاعده در سرزمین بین‌النهرین شد (Al-Tamimi, 2013, p.20). درباره ریاست سازمان دولت اسلامی عراق، اطلاعات موثقی وجود ندارد. برخی منابع «ابوعمر البغدادی» و برخی منابع دیگر «ابوحزمه المهاجر» را رئیس گروه یادشده اعلام کرده‌اند. پس از کشته‌شدن همزمان این دو نفر در عراق، ابوبکر البغدادی رئیس دولت اسلامی عراق شد. البغدادی در سال ۲۰۱۰، رهبری شاخه القاعده در عراق را برعهده گرفت و در همان روز نخست با مدیریت انجام‌دادن ۶۰ عملیات تروریستی در عراق، بی‌رحمی خود را نشان داد.

دولت اسلامی عراق و شام، «داعش»، متشکل از دو سازمان تکفیری دولت اسلامی عراق و جبهه النصره، در ۱۰ آوریل ۲۰۱۲ در سوریه اعلام شد. این سازمان دارای دو رهبر جداگانه یعنی ابوبکر البغدادی به عنوان رئیس بخش دولت اسلامی عراق و محمد الجولانی رئیس جبهه النصره بود. با این وصف، این سازمان علیه دولت سوریه اقدامات مشترک تروریستی بسیار زیادی انجام دادند و رهبری جبهه مخالفان بشار اسد را از ارتش آزاد سوریه و دیگر گروه‌های مخالف ربود. در آوریل ۲۰۱۳، ابوبکر البغدادی در اقدامی غیر مترقبه جبهه النصره را در دولت اسلامی عراق، ادغام و

1. ISIS

2. Islamic State of Iraq and al-Sham

دولت اسلامی عراق و شام را اعلام کرد (Al-Baghdadi, 2013). یک روز پس از آن، الجولانی رهبر جبهه النصره با صدور بیانیه‌ای، الحاق سازمان متبوع خود به داعش را رد کرد. ایدئولوژی القاعده در سال ۱۹۹۸ اعلام شد که بر مبنای آن، یک جبهه اسلامی جهانی ایجاد خواهد شد. القاعده، هدف اصلی خود را جهاد علیه آمریکا به عنوان حامی اصلی حاکمان مستبد عربی و پس از آن اسرائیل اعلام کرده بود. در حالی که شاخه عراقی القاعده بیشتر جنبه ضدشیعی داشته است. فعالیت داعش تا ۱۲ می ۲۰۱۴ تداوم یافت تا اینکه ابوبکر البغدادی روابط خود را با القاعده قطع کرد و از ایمن الظواهری رهبر القاعده خواست تا با داعش بیعت کند. با وجود این، الظواهری همچنان داعش را یکی از زیرمجموعه‌های القاعده تلقی می‌کرد و به این دلیل از البغدادی خواست به تقسیم کاری که القاعده انجام داده است، وفادار باشد و فعالیت خود را در عراق متمرکز کرده و جبهه سوریه را به جبهه النصره واگذار کند، اما داعش، الظواهری را در مقامی نمی‌دید که از وی تبعیت کند (Lister, 2014). روند شکل‌گیری سازمانی و فرماندهی داعش با اوج‌گیری آن در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ با سرکوبی و مقابله نیروهای مردمی و محور مقاومت از صحنه عراق و سوریه پاکسازی شده و به صورت مخفی فعالیت محدودی در جهان اسلام دارند (قاسمی، ۱۳۹۷، ص ۲۷).

ب) کوکلاکس کلان و وضعیت کنونی آن: کوکلاکس کلان^۱ یا به اختصار «KKK» یک فرقه مسیحی افراطی تروریستی در آمریکا بوده و هست که اصل مخفی کاری در آن حرف اول را میزند به طوری که بستگان نزدیک اعضا هم از عضویت آنان در این فرقه بی‌خبرند. بنابراین، اطلاعات در زمینه سازمان کار و عملکرد و هویت اعضای رده‌بالا و به‌ویژه حامیان آن، خصوصاً در دهه‌های اخیر، بسیار کم است. این فرقه برای بار اول در سال ۱۸۶۶ توسط شش افسر سابق ارتش ایالت‌های جنوبی در جنگ داخلی آمریکا به عنوان یک باشگاه مذهبی مسیحی تأسیس شد. هدف از تشکیل آن، آموزش دینی به اعضا اعلام شده بود که برنامه‌های تفریحی همراه با این آموزش‌ها

1. Ku Klux Klan

ترتیب داده می‌شد. نام آن‌ها از یونانی گرفته شده که به معنای دایره است. محل فعالیت آن‌ها ابتدا بیشتر در جنوب آمریکا بود (جبرائیل اوغلی، ۱۳۹۵، ص ۲). آنان نظرهای نژادپرستانه داشته‌اند و سیاهان را یاران شیطان می‌دانند که باید امحاء شوند. سپس، برای بار دوم این فرقه در سال ۱۹۱۵ در آتلانتا در ایالت جورجیا باز تأسیس شد و در سال ۱۹۲۱ به عنوان یک شرکت تجاری اقدام به فعالیت و عضوگیری کرد. کوکلاکس کلان دوم یک سازمان رسمی بود که در سطح ملی به رسمیت شناخته می‌شد. این فرقه در اواسط دهه ۱۹۲۰ ادعا می‌کرد که حدود ۱۵ درصد از جمعیت واجد شرایط آمریکا و به عبارتی، ۴ تا ۵ میلیون مرد را در عضویت خود دارد. شایان ذکر است فقط مردها می‌توانستند عضو این فرقه شوند و آنان باید عضویت خود را از همسرانشان پنهان نگاه می‌داشتند. در سال ۱۹۳۰ تعداد اعضای آن ۳۰۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شد. فساد و اقدامات تبهکارانه و درگیری‌های داخلی در نهایت، موجب از آن در دهه ۱۹۴۰ شد (تالر سینگر، ۱۳۹۴).

برای بار سوم در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ این نام توسط برخی برای تشکیل فرقه‌های متعدد به‌کار گرفته شد. وجه مشترک همه آنان فاشیسم، تروریسم، و تبهکاری بود. رهبران آنان به این بهانه به دنبال کسب قدرت، ثروت و توجیه شهوترانی‌های خود بودند. آن‌ها در جنوب آمریکا توانسته بودند، با همکاری و حمایت پلیس به قتل و غارت سیاهان پردازند و هویت آنان همیشه مخفی باقی می‌ماند. قربانیان آن‌ها فقط سیاهان نبودند. مخالفان، حتی کسانی که سالیان سال عضو فرقه بودند، اگر از دستورات سرپیچی می‌کردند یا خواهان خروج می‌شدند، به فجیع‌ترین شکل به قتل می‌رسیدند. آتش‌زدن خانه و زندگی مخالفان از اعمال رایج این فرقه بود. در این مقطع بسیاری از شخصیت‌های مهم آمریکایی به صورت مخفیانه عضو این گروه شدند (تالر سینگر، ۱۳۹۴).

سازماندهی این گروه کاملاً هرمی و به‌طوری بود که حتی اعضا نیز به‌طور عمده، یک دیگر را نمی‌شناختند. دستورات از بالا به پایین داده می‌شد و اغلب اعضا جز مسئول مستقیم خود با کسی

در ارتباط نبودند. تشکیلات به شعبه‌های متعدد تقسیم می‌شد که هر شعبه را یک^۱ می‌خواندند که یک عنوان مذهبی برای زیرشاخه‌های یک کلیسا است. در رأس هر شعبه یک مسئول با عنوان تیتان بزرگ^۲ قرار داشت که دستورات را از بالا گرفته و ابلاغ می‌کرد. در زیر دست او شاخه‌هایی بود که هر یک توسط یک تیتان اداره می‌شد. تیتان به خدایان یونان باستان گفته می‌شد که تیتان بزرگ خدای جنگ بود. تنظیم رابطه هر عضو با تیتان گروه خود، درست مانند تنظیم رابطه هر فرد با خدا بود و باید هیچ چیز از وی پنهان نداشته باشد و او را مالک جان و مال و افکار خود بداند و دستورات او را بدون چون و چرا اجرا کند.

فعالیت‌های کوکلاکس کلان در سال ۱۹۲۲ در اینگلوود در ایالت کالیفرنیا رسانه‌ای شد. این زمانی بود که ۳۶ مرد از این فرقه دستگیر و به جرم قتل و غارت محاکمه شدند. همه دستگیرشدگان حین عمل نقاب به چهره داشتند. آنان در یک نیمه شب به منزل یک فرد با اصالت اسپانیایی که او و اعضای خانواده‌اش را مخالف خود می‌پنداشتند، یورش بردند. در این زمینه پلیس مداخله کرد و بین پلیس و نفرات فرقه درگیری و تیراندازی صورت گرفت که به کشته شدن یکی از اعضای گروه و یکی از نفرات پلیس اینگلوود منجر شد. این ۳۶ مرد محاکمه شدند و در کمال تعجب هیئت منصفه در دادگاه در زمینه همه دستگیرشدگان رأی به برائت داد. به نوشته لوس آنجلس تایمز، این مسئله یک افتضاح قضائی به وجود آورد و موجب بروز سروصدای زیادی شد که در نهایت، به غیرقانونی شدن فرقه کوکلاکس کلان در کالیفرنیا منجر شد. اما فرقه مربوطه همچنان به کار خود در اینگلوود ادامه داد (اتاق خبر، ۱۳۹۶).

مشابه داستان فوق همیشه و در همه حال از آن زمان تاکنون در آمریکا وجود داشته است. یک جوان سیاه‌پوست ۱۲ ساله به نام تامیر رایس^۳ در آمریکا با شلیک گلوله یک پلیس سفید پوست در کلیولند در ۲۲ نوامبر ۲۰۱۴ به قتل رسید و اخیراً هیئت منصفه حکم به برائت پلیس مربوطه داد که

1. Chapter
2. Great Titan
3. Tamir Rice

بحث‌های بسیاری را برانگیخت. شبکه تلویزیونی سی ان ان^۱ در این خصوص گفت که متأسفانه در آمریکا معمولاً هیئت منصفه در دادگاه‌ها به شدت تحت نفوذ دادستان‌ها هستند و استقلال عمل ندارند. روزنامه نیویورک تایمز نوشت که افسر پلیس کلیولند برای قتل تامیر رایس مورد پیگرد قانونی قرار نمی‌گیرد. اگرچه بسیاری دست فرقه‌های افراطی مسیحی را در این گونه موارد بر ملا می‌کنند، اما به‌طور کلی، ترس و واهمه شدیدی در مقامات و رسانه‌ها نسبت به بازکردن چنین موضوعاتی وجود دارد (mic.com, 2015).

سازمان کوکلاکس کلان عملیات خود را در کانادا نیز گسترش داد که براساس کوکلاکس کلان دوم در ایالات متحده صورت گرفت. این فرقه شعبه‌هایی^۲ در کانادا در دهه ۱۹۲۰ و اوایل دهه ۱۹۳۰ به وجود آورد. اولین شعبه در تورنتو در سال ۱۹۲۵ توسط دو آمریکائی و یک نفر از تورنتو با عنوان سازمان اخوت^۳ ثبت شد و رسمیت یافت. سازمان اخوت یا برادری بسیار موفق عمل کرد و بسیاری از سیاستمداران با نفوذ و نمایندگان پارلمان را جذب کرد و در سیاست کانادا به نفوذ قابل ملاحظه‌ای دست یافت.

بسیاری از سپاهان و مخالفان این گروه در کانادا به صورتی فجیع و البته مشکوک به قتل رسیدند و این سازمان همچنان در کانادا به فعالیت‌ها و اعمال نفوذ سیاسی خود مشغول بود. در سال ۱۹۹۱، کارنی نرلاند^۴ یک سفیدپوست نژادپرست و عضو کوکلاکس کلان و رهبر شاخه این گروه در ساسکاتچوان^۵ که با عنوان «کلیسای عیسی مسیح مسیحی ملت آریایی»^۶ فعالیت می‌کرد یک نفر را در مغازه خود با تفنگ تهاجمی به قتل رساند (نیویورک تایمز، ۲۰۱۵).

کوکلاکس کلان در کانادا بعضاً خشن‌تر از داخل آمریکا عمل می‌کرد و مخالفان خود را به فجیع‌ترین شکل به قتل می‌رساند و منازل و محل کسب و کار آنان را نیز تخریب می‌کرد و به

-
1. CNN
 2. Chapters
 3. Fraternity
 4. Carny Nerland
 5. Saskatchewan
 6. Church of Jesus Christ Christian Aryan Nation

آتش می‌کشید و از آنجا که نفوذ قابل ملاحظه‌ای در پارلمان و دولت و قوه قضاییه داشت، هرگز مورد بازخواست قرار نمی‌گرفت. آنان به کلیساهای کاتولیک نیز حمله‌ور می‌شدند و نمازگزاران را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند. کوکلاکس کلان کاتولیک‌ها را ضد دین و دشمن مسیح می‌دانست که باید مانند سیاهان نابود شوند. (نیویورک تایمز، ۲۰۱۵). در سال‌های اخیر از آنجا که کیفیت سازماندهی این فرقه در کانادا به مراتب پیچیده‌تر شده است نفوذ این گروه در سیاست کانادا که به شدت اسلام ستیز است نمود علنی و مستقیم کمتری پیدا کرده است، اما ناظران اعتقاد دارند که این گروه در سیاست کانادا نفوذ قابل ملاحظه‌ای دارد. همچنین، گفته می‌شود رهبران این گروه در کانادا ثروت‌های افسانه‌ای دارند که از استعمار اعضای مغزشوئی شده خود و وارد کردن آنان به فعالیت‌های غیرقانونی به دست آورده‌اند (جبرائیل اوغلی، ۱۳۹۵، ص ۲).

امروزه این فرقه به عنوان یک سازمان تروریستی افراطی نیمه‌مخفی شناخته می‌شود که در آمریکا و کانادا دست به جنایت و غارت می‌زند و البته نموده‌ها و تبلیغات آشکار و سایت هم دارد و ظاهراً همه امکانات امنیتی و انتظامی و قضائی آمریکا جلودار آنان نیست. آنان در گوشه و کنار کشور میتینگ می‌گذارند، تظاهرات به راه می‌اندازند، جذب نیرو می‌کنند، با دولتمردان و شخصیت‌های با نفوذ ارتباط برقرار می‌کنند، افراد بسیاری در پلیس و حکومت‌های محلی و دستگاه قضایی دارند و به نام مسیح و مسیحیت فجیع‌ترین جنایات را مرتکب می‌شوند. آنان از پرچم ایالت‌های جنوبی در جنگ‌های داخلی آمریکا، که ظاهراً استفاده از آن ممنوع است، به عنوان پرچم خود به کار می‌گیرند. نافرمانی و درخواست جدایی در این فرقه متشکل از تماماً مردان، حکم مرگ برای فرد مربوطه و کل خانواده‌اش را به فجیع‌ترین شکل به همراه دارد (نیویورک تایمز، ۲۰۱۵).

اندکی بعد، فعالیت‌های این گروه به‌طور محسوس، کاهش یافت، تا اینکه در اوایل قرن بیستم، گروهی از پروتستان‌های ملی‌گرا، کوکلاکس کلان را با هویتی جدید احیا کردند. صلیب‌های آتشین، رژه خیابانی و مراسم مبهم و رازآلود، تبدیل به نمادهای جدید این گروه شدند. کوکلاکس کلان دشمنان کنونی خود را شناخت؛ مهاجران، کاتولیک‌ها، یهودی‌ها و سیاه‌پوستان. جنبش حقوق مدنی سیاه‌پوستان در دهه ۱۹۶۰، خونی جدید به رگ‌های کوکلاکس کلان تزریق کرد.

بمب‌گذاری در مدارس و کلیساهای سیاه‌پوستان و ترور فعالان تساوی سیاه‌پوستان، از فعالیت‌های بارز این گروه در آن ایام بود (جبرائیل اوغلی، ۱۳۹۵، ص ۲). با پیگیری از خبرگزاری‌ها در این زمینه فعالیت‌های این گروه امروزه نیز ادامه دارد و در خشونت علیه سیاهان و سایر افراد جامعه آمریکا نیز اقدام به خشونت می‌کنند (نیویورک تایمز، ۲۰۱۸).

اعتقادات و باورهای فرقه تکفیری

در بررسی اعتقادات و باورهای گروه‌های تکفیری آنچه که نام این فرقه‌ها آشکار است «تکفیر» و «ترور» وجود دارد. یعنی این فرقه‌ها با اقدام به خشونت و جبر فیزیکی سعی در القای تفکر غلط خود دارند. آنچه در باورهای این گروه اشاره شده، گویای این تفکر و عقیده است.

الف) داعش: داعش نام اختصاری است که در اندیشه سیاسی این فرقه شکل گرفته است. این گروه معتقد به تاسیس «دولت اسلامی عراق و شام» هستند. مهم‌ترین باورهای فرقه‌ای و اعتقادی این گروه تکفیری و تروریستی عبارت‌اند از مهم‌ترین اندیشه‌های داعش عبارت است از بازگشت با اصل اسلام دوره پیامبر و نباید از علمای دین تقلید کرد باید از قرآن تقلید کرد؛ مشرک و کافر شمردن غیر خود، بر این اساس، همه مخالفین (اهل سنت، شیعیان و غربی‌ها) ضدتوحید و مشرک هستند، بنابراین، خون آنان حلال و زن و فرزندان آن‌ها اسیر هستند؛ معتقدند اسلام کنونی اسلام نیست، اگر بود غرب بر آن‌ها حاکم نمی‌شد؛ بنابراین، آن‌ها بدون درگیری با غرب با مسلمانان وارد جنگ می‌شوند؛ بازگشت به خلافت اسلامی از دیگر اندیشه‌های داعش است آن‌ها بر خلاف القاعده که به دنبال آزادی قدس هستند، به دنبال آزادی بغداد از دست شیعیان یا به قول آن‌ها رافضی‌های صفوی می‌باشند؛ این فرقه به دنبال تاسیس حکومت اسلامی و نه حکومت‌های اسلامی هستند (SIS user andre Paulin, 2014). اغلب سرکردگان داعش، حتی «ابوبکر البغدادی»، سرکرده اصلی آن، دست‌پرورده «ابومصعب الزرقاوی»، رهبر سابق القاعده در عراق به شمار می‌آیند، اما به اعتقاد کارشناسان امور گروه‌های جهادی تکفیری، آنچه داعش را از القاعده متمایز می‌کند، طرح آن برای تشکیل «امارت اسلامی» مورد ادعای خود است که بنابر اظهارات البغدادی، سنگ‌بنای اولیه آن در سوریه و پس از تسلط این گروه بر شهر و استان رقه، شمال شرقی سوریه

گذاشته شد، تا پس از آن شاهد توسعه و گسترش نفوذ آن در مناطق غربی عراق و تلاش آن برای ازبین‌بردن مرزهای بین عراق و سوریه و ملحق‌کردن مناطق تصرف شده در این دو کشور به یکدیگر باشیم (بغدادی، ۱۴۳۷). داعش مدعی تأسیس حکومت اسلامی بر پایه اندیشه خلافت عباسی است و پرچم سیاه نمادی از آن دوره بوده و عقیده این گروه مبتنی بر ظاهرگرایی و نص‌گرایی است (قاسمی، ۱۳۹۷، صص ۲۹ - ۱۸).

ب) کوکلاکس کلان: فرقه تکفیری کوکلاکس کلان یکی از فرقه‌های پروتستان انجیلی راست افراطی مسیحی است، که با ایدئولوژی برتری نژادی سفیدپوستان^۱ نسبت به سیاه‌پوستان و رنگین‌پوستان، ناسیونالیسم سفید^۲، ضد مهاجرت^۳ ضد کمونیست^۴ شکل گرفت. تفکرات برتری نژادی این فرقه، سلطه سفیدپوستان را در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، تاریخی و صنعتی تأیید، و به استمرار این ایدئولوژی در چنین عرصه‌های کمک می‌کرد. فرقه کوکلاکس کلان با توجه به رشد روزافزون سیاه‌پوستان و مهاجرت رنگین‌پوستان به آمریکا شکل گرفت که با به‌کارگیری احساسات ناسیونالیستی و میهن‌پرستانه، به سرعت در تمامی ارکان جامعه رشد و توسعه یافت (Sohthern, 2006, p.45). صلیب آتشین یا صلیب نورانی احترام و قداست خاصی در میان کوکلاکس کلان‌ها داشته و در همه مراسم رسمی و غیررسمی، آن‌ها یک صلیب آتشین برپا می‌کردند (نیویورک تایمز، ۲۰۱۵). باور به رسیدن به هدف و مبارزه به قیمت خشونت و کشتار در اندیشه این گروه وجود دارد. فرقه کوکلاکس کلان بیشتر در مبانی عقیده خود رویکرد نژادی و ناسیونالیستی دارد و اندیشه مذهبی پروتستانی کمتر دیده شده است.

بین سال‌های ۱۹۲۵ الی ۱۹۳۰ عقاید ضد یهود^۵ هم به ایدئولوژی این فرقه اضافه شد. در سال ۱۹۲۸ خیابان‌های واشنگتن پر شده بود از کوکلاکس کلانها که در دسته‌های انبوه رژه می‌رفتند و

-
1. White supremacy
 2. White nationalism
 3. Anti-immigration
 4. Anti-communist
 5. Anti-Jewish

دولت را برای تصویب و اعمال قوانین نژادپرستانه تحت فشار قرار داده بودند. در این سال‌ها اعضای این فرقه علاوه بر ترور و بمب‌گذاری، حمله به مراکز عمومی و محلات مهاجرنشین و سیاه‌پوستان، دست به جوسازی و راهپیمایی‌های عظیم و حملات شدید به خانه‌های شخصی کاتولیک‌ها، رنگین‌پوستان، سیاهان، مهاجران می‌کردند، همچنین، دست به قتل، جنایت و اعمال خشونت‌آمیز می‌زدند. امروزه فرقه کوکلاکس کلان در نزد گروه‌های اجتماعی، کلیسایی، دانشگاهی، مقامات ایالتی و شوراهای شهری و استادان دانشگاه و مقامات سیاسی به عنوان یک گروه خرابکارانه و تروریستی سازماندهی، شناخته و معرفی می‌شود. این فرقه در بسیاری از ایالات آمریکا و کشورهای اروپایی اجازه فعالیت، عضوگیری و ایجاد تجمعات را ندارد (جبرائیل اوغلی، ۱۳۹۵، ص ۲).

بررسی و مقایسه؛ اهداف و میزان تأثیرگذاری

دو فرقه داعش و کوکلاکس کلان در دین اسلام و مسیحیت، که هر یک با ادعای دینی و ریشه مذهبی بودن و اجرای احکام شرعی باعث معرفی بدترین چهره از دین و بدنام کردن مسیحیت و مسلمانان و ویرانی سرزمین‌های خود شده‌اند، مشابهت‌های روحی - رفتاری زیادی را یکدیگر دارند تا جایی که جریان داعش با طرز تفکر خاص خود پس از گذشت قرن‌ها به‌طور جدی توانسته است احیاکننده روح مذهب جریان تکفیری خوارج باشد و در نقاط اساسی زیادی با آن اشتراکات نظری - عملی پیدا کند، اما با وجود این، دو جریان یادشده دارای وجوه رفتاری در خشونت، کشتار و شیوه تبلیغات و رسانه‌ای هستند.

این دو فرقه تکفیری و تروریستی مشابهت و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند در ذیل به برخی محورهای این دو اشاره خواهد شد:

۱. داعش و کوکلاکس کلان از دل یک اندیشه دینی و مذهبی ظهور کرده و شروع به فعالیت

کرده است، داعش دست‌کم تأکید خاص بر موضوع ایدئولوژی داشته است.

۲. تفاوت داعش و کوکلاکس کلان در قلمرو سرزمینی است که داعش خود را محدود به

سرزمین محدود و خاص نکرده و اندیشه داعش حتی به فراتر از جهان اسلام بوده و بلکه

- سعی در تصرف کشورهای اروپایی و خود آمریکا را داشته است. کوکلاکس کلان به آمریکا محدود بوده، حتی دایره ایالات متحده را در فعالیت تروریستی خود ندارد.
۳. کوکلاکس کلان مرکز بر نژاد و موضوع ناسیونالیستی تمرکز دارد، ولی داعش این گونه نبوده و تأکید به جذب نیرو از همه سرزمین‌های اسلامی و غیر اسلامی را در سرلوحه برنامه خود دارد.
۴. هر دو فرقه تکفیری داعش و کوکلاکس کلان از درون دین و مذهب مورد نقد قرار گرفته‌اند، و حامیان مذهبی و عقیدتی در مذهب ندارند، بلکه حامیان سیاسی داشته‌اند. برای نمونه رژیم صهیونیستی از دو فرقه حمایت کرده است (ر.ک. تالر سینگر، ۱۳۹۴؛ قاسمی، ۱۳۹۴).
۵. خشونت، ترور، کشتار و ایجاد ناآرامی از ویژگی مشترک این دو فرقه است.
۶. پابند نبودن به آیین اسلام و مسیحیت در داعش و کوکلاکس کلان آشکار است که نشان‌دهنده رویکرد سیاسی است و پایه و پایگاه عقیدتی و دینی ندارند.
۷. هر دو فرقه تکفیری با هدف گسترش قدرت سیاسی، وسعت سرزمینی و نفوذ در قلمرو مورد هدف تلاش می‌کنند که هر یک موفقیت نسبی داشتند؛ هرچند داعش با مجاهدت بسیج مردمی و محور مقاومت و پشتیبانی ایران در افول و نابودی کامل است.
۸. تأثیرگذاری دو فرقه در ایجاد ناامنی و رعب و وحشت در جامعه بوده است که سبب رشد قارچ‌گونه شد و با شناخت دقیق از ماهیت آن جایگاه خود را از دست دادند.
- هرچند در تاریخ صدر اسلام تا کنون نیز جریان‌های انحرافی نیز در دین اسلام و جهان اسلام وجود داشته است. در مسیحیت نیز اصطلاح تروریسم در دوره دو انقلاب فرانسه و محکمه آن که مستند به قوانین استثنایی بود، پیدا شد. همچنین به کشتارهایی که در جنوب فرانسه در سال ۱۸۱۵ اتفاق افتاد. تاریخ غرب و مسیحیت متأثر از این تاریخ و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی غرب از همان ابتدا که دوره قرون وسطی که به دوره تفتیش عقاید (مکتب مدرسی و اسکولاستیک) معروف بود. دین با سخت‌گیری دنبال می‌شد و مردم جوامع مورد مؤاخذه و

بازخواست قرار می‌گرفتند؛ در حالی که در اسلام از صدر اسلام دوره پیامبر با مهربانی و مؤلفه قلوبهم این موضوع دنبال می‌شد. امروزه نیز غرب و اروپا با گذشته خود که عصر روشنگری بر آن نام گذاشته‌اند، جریانها و رویکردهای افراط‌گرایی زیادی را داشته است. برای نمونه از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ تعداد ۱۲۵ کلیسا در تگزاس، ۵۲ کلیسا در فلوریدا و ۳۶ کلیسا در کارولینای جنوبی و ۳۲ کلیسا در می‌سی‌سی‌پی و ۲۴ کلیسا در لوئیزیانا مورد حملات تروریستی قرار گرفته است (مردای، ۱۳۸۴، ص ۶۸).

گفتنی است مسیحیت نیز در گسترش تعالیم دینی سعی و تلاش کرده است. در ادیان الهی بحث بر سر این است که این حاکمیت باید الهی باشد، نه بشری. این همان حاکمیت دین بر اجتماع است. اما عواملی در غرب سبب شد که از حاکمیت و اقتدار کلیسا و احکام آن، که نماد دین در مغرب زمین است، کاسته شود. کلیسا در طول حیات خود، با تشکیل شوراها، تربیت گروه‌های مذهبی، اعتقادنامه‌ها و اعتراف‌نامه‌ها، دفاعیه‌نویسی و در نهایت، دادگاه‌های تفتیش عقاید و مجازات بدعت‌گذاران و مرتدان، سعی در حفظ اصول و شاکله اصلی مسیحیت داشته است. اما برخی عوامل در روگردانی از مسیحیت و یا ردّ آموزه‌های آن تأثیرگذار بوده است (امیری و طاهری، ۱۳۹۲، ص ۹۱). برخی اظهار نظر کردند که اگر آمریکا و غرب و کلاً مسیحیان جهان با همه امکانات و قدرتی که دارند از پس این گروه افراطی مسیحی در قلب خاک خودشان که ظاهراً هیچ حامی دولتی در جهان ندارد، بر نمی‌آیند، چگونه انتظار دارند مسلمانان جهان که امکاناتی در اختیار ندارند، از پس گروه افراطی مسلمان داعش که حامیان و پشتیبانان دولتی بسیاری در غرب و منطقه دارد، برآیند. راستی، چرا رفتار این گروه که سالانه جان صدها سیاه، حتی غیرسیاه مخالف خود به علاوه خانواده آنان را می‌گیرد و اموال آنان را به غارت می‌برد، به حساب مسیحیت گذاشته نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر در پی در بررسی و مقایسه فرقه تکفیری داعش و کوکلاکس کلان، تکفیر و تروریسم در میان مسلمانان و مسیحیان بود، که فرقه تکفیری در جهان انگیزه مشترک را که همراه با

خشونت و رعب و وحشت است، اتخاذ کرده و همواره در رویکرد خود مبتنی بر قدرت طلبی و انگیزه فرقه‌ای عمل کرده است؛ و رفتار تروریستی و همراه با خشونت این دو گروه داعش و کوکلاکس کلان با فطرت بشری در تضاد است. این موضوع نشان می‌دهد ادیان با تکفیر و تروریسم سازگاری نداشته، و در اسلام و مسیحیت نیز تمایل به مقابله با گرایش‌های خشونت‌طلبانه وجود دارد، اینکه از دین به عنوان پوشش استفاده می‌کنند و انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی و مقاصد دیگر اقدامات را با موضوع دین دنبال می‌کنند. گفتنی است، افزون بر انگیزه‌های سیاسی پشت پرده قدرت‌ها در تشدید بحران در کشورهای اسلامی وجود دارد، و از سوی دیگر، در میان مسیحیان نیز گروه‌هایی با ایجاد خشونت و ترور به دنبال اهداف و مقاصد فرقه‌ای خود هستند.

در نتیجه، در تحلیل نهایی باید گفت موضوع تکفیر و تروریسم محدود و منحصر به جهان اسلام و مسلمانان نیست، بلکه در میان مسیحیان نیز رواج دارد. همچنین، با بررسی ماهیت تکفیر و تروریسم در اسلام و مسیحیت آشکار شد که ماهیت تکفیری انحراف از اصل دین است و چه داعش و چه کوکلاکس کلان مورد تأیید در دین اسلام و مسیحیت نبوده و در میان پیروان این دو دین مورد تأیید قرار نگرفته است؛ و ضد بشری و انسانی است و برخورد فرهنگی و با آگاهی سیاسی و شناخت ماهیت اصل دین از مهم‌ترین روش مقابله با تکفیر است.

راهکار و روش برون‌رفت ادیان از تکفیر و تروریست‌ها را می‌توان به شرح زیر بیان کرد.

- بازخوانی مفهوم و حدود ادیان توحیدی و ابراهیمی و آشکارسازی ماهیت دینی آن‌ها. همانا تسلیم در برابر معبود نه بنده.
- پاسخ‌دهی به فرقه‌های تکفیری از دل مذاهب خود برای مثال در عالم اسلامی فقها و عالمان اهل سنت و تشیع ماهیت داعش را آشکار کنند و کاتولیک، پروتستان و مذاهب دیگر کوکلاکس کلان را غیردینی و مذهبی معرفی کنند. در واقع، نبرد فکری و فرهنگی صورت گیرد.
- برگزاری همایش و نشست‌های مشترک بین ادیان درباره رد اندیشه تکفیر و تروریستی در مسیحیت و اسلام که بسیار مهم و ضروری است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، عزالدین بن ابی الحسن (۱۴۰۹). *اسد الغابه*. بیروت: دارالفکر.
۲. آشوری، داریوش (۱۳۷۳). *دانش‌نامه سیاسی*. تهران: انتشارات مروارید.
۳. اگریدی، جوان (۱۳۷۷). *مسیحیت و بدعت‌ها*. ترجمه عبدالرحیم سلیمانی، قم: طه.
۴. امیری، عظیم، و طاهری، محمدحسین (۱۳۹۲). *بررسی و نقد انگاره ارتداد در مسیحیت کاتولیک*. معرفت/ادیان، ۴(۴)، ۷۷-۹۶.
۵. تالر سینگر، مارگارت (۱۳۹۴). *فرقه‌ها در میان ما*. ترجمه ابراهیم خدابنده، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۶. درویشی، فرهاد، و حاتم‌زاده، عزیزالله (۱۳۹۲). *روند مواجهه آمریکا و اتحادیه اروپا با تروریسم از ادراکات متفاوت تا همکاری‌های مشترک*. ژئوپلیتیک، ۹(۲)، ۱۶۰-۱۳۶.
۷. دری نوگرانی، حسین (۱۳۹۱). *اقتصاد تروریسم: مفاهیم، محورهای اساسی و مطالعات تجربی*. *آفاق امنیت*، ۵(۱۶)، ۱۳۴-۱۰۵.
۸. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۳). *لغت‌نامه دهخدا*. جلد پانزدهم، تهران: دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
۹. سبجانی، جعفر (۱۳۸۸). *وهابیت، مبانی فکری و کارنامه عملی*. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۰. شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم (۱۳۶۴). *فرق*. تحقیق محمد فتح‌الله بن بدران، قم: منشورات رضی.
۱۱. صفوی، مهدی (۱۳۸۳). *تروریسم کور، بلای جان بشریت*. گزارش شماره یکصد و پنجاه و چهارم، تیرماه ۱۳۸۳.
۱۲. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ هـ.ق). *تاریخ طبری*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۳. فتحی، یوسف (۱۳۹۴). *بررسی ماهیت، زمینه‌ها و اهداف تروریسم مدرن در اندیشه سیاسی*

- آیت الله خامنه‌ای. *انقلاب اسلامی*، ۴ (۱۶)، ۶۴-۴۷.
۱۴. قاسمی، بهزاد (۱۳۹۴). بازشناسی تفاوت سلفی نوگرا و افراط‌گرا. سایت الوقت سه شنبه ۱۳ مرداد ۱۳۹۴، قابل دسترسی در <http://alwaght.com/fa/News/15071>
۱۵. قاسمی، بهزاد (۱۳۹۴). تبیین روانی - اجتماعی عملکرد داعش. *مطالعات عملیات روانی*، (۴۳)، ۱۷۶-۱۴۳.
۱۶. قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷). مقایسه رویکرد انقلاب اسلامی و ایالات متحده به افراط‌گرایی و تروریسم. *انقلاب اسلامی*، ۸ (۲۸)، ۳۷-۱۵.
۱۷. گراث مک، آلیستر (۱۳۸۴). *درسنامه الهیات مسیحی*. ترجمه بهروز حدادی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان.
۱۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۹. مردای، مجید (۱۳۸۴). نفی افراط‌گرایی و تروریسم در اسلام. اخبار ادیان، اطلاع‌رسانی، ۳ (۵)، دی و بهمن ۱۳۸۴.
۲۰. میلر، ویلیام مک‌لوی (۱۹۸۱). *تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران*. ترجمه علی نخستین، چاپ دوم، بی‌جا: حیات ابدی.
۲۱. هزاوه‌ای، سید مرتضی، و باوریان، فریده (۱۳۹۳). مشابهت‌های فکری - عملی دو جریان سیاسی خوارج نهروان و القاعده عراق. *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۳ (۱۱)، ۱۸۴-۱۵۶.
۲۲. واقدی، محمدبن عمر (۱۴۱۰). *الردّه*. بیروت: دارالغرب الاسلامی.
23. AL-Baghdadi, A. B. (2017). Announcement of the Islamic state of Iraq and Al-Sham. *Furqan Media*, 2(3), 1-2.
24. Al-Tamimi, A. J. (2013). The Islamic State of Iraq and Al-sham, *Middle East Review of International Affairs*, 3(17), 224-246.
25. Ashwell Farr, D. L. (1971). *Gordon Lord George in: Britannica Encyclopedia*. William Benton.
26. Broderick, R. C. (1994). *Concise Catholic Dictionary*. Catechetical Guild Educational Society.
27. Broum, R. (2004). *Psychology of terrorism*. Tampa: University of south Florida.
28. Cross, F. L. (1997). *The Oxford dictionary of the christion church*. London: Oxford University Press.

29. Hebblethwaite, P. (1977). *Christian-marxist dialogue: Beginnings, present status, and beyond*. New York: Paulist Press.
30. Ingalls, R. P. (1979). *Hoods: The Story of the Ku Klux Klan*. New York: G.P. Putnam's Sons.
31. Moore, L. J. (1991). *Citizen Klansmen: The Ku Klux Klan in Indiana, 1921-1928*. Chapel Hill: U of North Carolina Press.
32. Plano, J. C., & Roy, O. (1988). *The international relations dictionary*. USA: Longman.
33. Robertson, D. (1993). *A dictionary of modern politics*. London: British Library Cataloguing in Publication.
34. Roy, O. (1994). *The failure of political Islam*. London: I. B. Tauris.